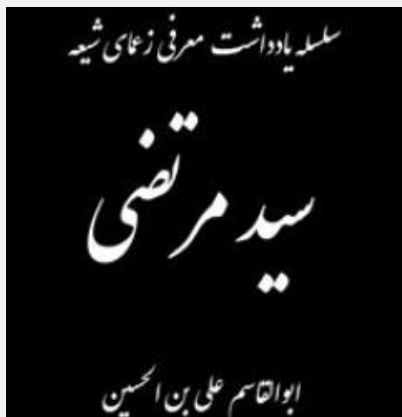




سید مرتضی، پدر عقل گرایی در مکتب شیعه

سید مرتضی علم الهدی از علمای بزرگی است که بحث ولایت فقها را طرح و با استناد به اصل ولایت فقیه و زعامتی که ولی فقیه بر جامعه مسلمین دارد نزدیک به 30 سال ریاست همه سادات شرق و غرب جامعه اسلامی، امیری حجاج و قاضی القضاات دولت اسلامی را بر عهده گرفت.

سید مرتضی علم الهدی از علمای بزرگی است که بحث ولایت فقها را طرح و با استناد به اصل ولایت فقیه و زعامتی که ولی فقیه بر جامعه مسلمین دارد نزدیک به 30 سال ریاست همه سادات شرق و غرب جامعه اسلامی، امیری حجاج و قاضی القضاات دولت اسلامی را بر عهده گرفت.

به گزارش سرویس اندیشه خبرگزاری رسا، ابوالقاسم علی بن الحسین معروف به سید مرتضی علم الهدی، در رجب سال 355 هجری قمری در شهر بغداد دیده به جهان گشود، پدرش حسین موسوی بود که منصب رسیدگی به کار و زندگی سادات دودمان ابوطالب و مسؤولیت نظارت بر دیوان مظالم و سرپرستی زائران خانه خدا را که از منصب‌های مهم آن روز بود به عهده داشت. پدر بزرگش نیز ابراهیم مجاب از نوادگان حضرت امام کاظم (ع) بود. (1)

سید مرتضی از همان دوران کودکی به یادگیری دانش‌های متداول آن روز پرداخت و در سنین جوانی در بسیاری از علوم اسلامی به مقامی والا رسید. او از شاگردان ممتاز مرحوم شیخ مفید به شمار می‌آمد.

نبوغ و پیشرفت سریع او در بسیاری از رشته‌های مختلف علوم اسلامی سبب شد که در بین علما و دانشمندان شهرتی چشمگیر پیدا کرده، مورد احترام جامعه اسلامی واقع گردد. و به عناوینی همچون "ذوالمجدین" یعنی صاحب دو مجد و عظمت، "علم الهدی" یعنی: پرچم هدایت و "شریف مرتضی" و ... معروف گردید. و مرجعیت و رهبری دینی جامعه آن روز را پس از استادش شیخ مفید بر عهده گرفت. (2)

آغاز تحصیل

مورخان نوشته‌اند: شبی شیخ مفید در خواب می‌بیند حضرت فاطمه زهرا (س) دست امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را گرفته و به نزد او آورده است. پس از سلام به وی فرمود: جناب شیخ! این دو، پسران من هستند به آنها علم فقه و احکام دینی بیاموز؛ شیخ مفید بیدار شده و از خواب عجیب، در شگفت ماند.

فردای آن شب طبق معمول در مسجدش بنام "براثا" واقع در محله شیعه نشین بغداد بنام "کرخ" جلوس و شروع به تدریس نمود. فاطمه دختر ناصر کبیر در حالی که زنانی دیگر پیرامونش را گرفته بودند و دست فرزندانش سید مرتضی و سید رضی را که خردسال بودند در دست داشت، وارد شد و به شیخ مفید سلام کرد. شیخ مفید به احترام او از جا برخاست و به وی سلام کرد.

فاطمه به جناب شیخ فرمود: این دو بچه پسران من هستند آنها را نزد شما آورده‌ام تا علم فقه و احکام دینی را به آنها بیاموزید. شیخ بزرگوار و مرجع شیعه از آن خواب و این تعبیر در شگفت ماند. با کمال اشتیاق و صفا و اخلاص تعلیم و تربیت کودکان او را به عهده گرفت و در ارتقای آنان به مدارج علمی و عملی همت گماشت و درهای علوم و فضائل را به روی آنها گشود. (3)

سید مرتضی از عالمان بزرگ شیعه بود که در حوزه مباحث کلامی، فقهی و قرآنی جزء شخصیت‌های ممتاز است. این عالم بزرگوار در برخی از رشته‌ها نخستین و مهمترین کتاب‌ها را تألیف کرده؛ به عنوان مثال کتاب امالی سید مرتضی که در زمینه بحث‌های تفسیری از کهن‌ترین کتاب‌ها بوده و در باب تفسیر قرآن به رشته تحریر درآمده، مورد توجه عالمان جهان اسلام است.

دانشمند مورخ معاصر مرحوم علی دوانی در بیوگرافی این فقیه وارسته از رجال ابوعلی، کتاب اتحاف الوری، ضمن حوادث سال نقل کرده است که در این سال سید مرتضی و برادرش سید رضی به زیارت بیت الله الحرام شتافتند در بین راه ابن جراح طائی از آنها طلب چیزی کرد و آنها نه هزار دینار از مال خالص خویش را به اودادند و باز نوشته‌اند که وقتی چند کتاب به قیمت ده هزار دینار یا بیشتر برای سیدمرتضی خریداری کردند.

موقع مطالعه دید که بر پشت یکی از آنها این دو شعر رانوشته‌اند که ترجمه این اشعار چنین است: گاهی احتیاج وامی دارد که اوراقی را که بیشتر مورد علاقه است، فروخته گردد من گمان نمی‌بردم که روزی برسد که آن اوراق را بفروشم هرچند طلبکارها مرا به زندان وامی داشتند.

این اشعار حاکی از فقر فروشنده آن بود که از روی ناچاری آن کتب نفیس را فروخته است سید(ره) تمام کتابها را به صاحبش مسترد نمود و آن ده هزار دینار را نیز به او بخشید.

سید مرتضی دهکده‌ای از املاک خود را وقف مصرف کاغذ فقها کرده بود که عوائد آن صرف تألیفات مجتهدین گردد.

لقب علم الهدی

در مورد لقب علم الهدی، مورخین نگاشته‌اند که ابوسعید وزیر القادر بالله در سال 420 بیمار شد شبی در خواب دید که امیر مومنان (ع) به او می‌فرماید: به علم الهدی بگو برای تو دعا کند تا از بیماری بهبود یابی وزیر گفت: یا امیر المومنین، علم الهدی کیست، فرمود: علی بن

الحسین موسوی است چون از خواب برخاست، نامه ای به سید مرتضی نوشت که برای او دعا کند و در آن نامه او را علم الهدی خواند. سید مرتضی برآشفته و از وزیر خواست که او را با این لقب بزرگ نخواند وزیر گفت به خدا قسم امیر المؤمنین (ع) امر فرموده که شما را به این لقب بخوانم.

پس از آنکه وزیر از دعای سید مرتضی شفا یافت، از سوی خلیفه حکم شد که منشیان در نامه های رسمی و عموم مردم او را با این لقب بخوانند و بدین گونه ملقب به علم الهدی گردید. (4)

سید مرتضی احیاگر تشیع در قرن چهارم

در میان مسلمانان معروف است که خدای بزرگ در آغاز هر صد سال (یک قرن) کسی را بر می انگیزد تا دین را رونقی بخشد و در نشر احکام و نگهداشت آن بکوشد. استاد محمد رضا حکیمی در این مورد می گوید: شاید مدرک این عقیده حدیثی باشد که ابوداود... از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: خداوند بزرگ برای این امت در هر صد سال، کسی را بر می انگیزد تا دین او را تازگی بخشد و رواج دهد.

این حدیث در کتابهای مختلف با عبارات گوناگون نقل شده و بعضی از نویسندگان نام احیاگر هر قرن را هم مشخص کرده اند. نویسنده کتاب علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی می نویسد: مجدد مکتب در قرن اول باقرالعلوم (ع) و فرزندش امام صادق (ع) بودند. در قرن دوم حضرت ثامن الحج علی بن موسی (ع) و به پیروی از این امامان همام در قرن سوم محمد بن یعقوب کلینی و در قرن چهارم سید مرتضی اعلی الله مقامه.

منش علمی سید مرتضی

در حوزه ی علوم نظری، می توان سید مرتضی را پدر عقل گرایی در مکتب شیعه معرفی کرد. هر چند شیخ مفید، استاد سید مرتضی، در مقابل مکتب قم - به رهبری شیخ صدوق- عقل گرایی را در اندیشه ی کلامی شیعه توسعه داد؛ سید مرتضی با صراحت اعلام کرد: اولین تکلیف انسان ها، تکلیفی ذاتاً عقلی است نه نقلی. او در الاصول الاعتقادیه می گوید: « بدان که نخستین عمل از اعمال قلبی که به عهده ی انسان گذاشته شده، این است که پروردگار خویش را بشناسد و تنها راه برای این شناسایی، استدلال کردن به حدوث اجسام و نظایر آنهاست» (5)

از همین رو، بین صاحب نظران این بحث مطرح شده است که آیا سید پیرو مذهب شیعه بوده است ؟ یا معتزله ؟! این نزاع آن گاه حیرت انگیزتر می شود که سید مرتضی با تمام توانایی های علمی خود از مذهب کلامی شیعه در باب امامت دفاع کرده است. معتزلی بودن او، که از شاگردان مبرز شیخ مفید- بزرگترین مناظره گر شیعی با مخالفان خود در بغداد- شمرده می شود، چگونه ممکن است؛ در حالی که کتاب چهار جلدی الشافی را در ردّ بزرگترین معتزلی زمان خود، یعنی قاضی عبدالجبار نوشته است. (6)

در حوزه علوم نقلی نیز، سید مرتضی با نوآوری های خود توانسته است « فقه » را برای اولین بار در قالب های نظری (اصول فقه) به بحث بگیرد؛ در حالی که قبل از او فقه در چارچوب احادیث مأثور که از مبانی استدلالی و تعمق اصولی تهی بودند، قرار داشته است.

از خصوصیات فقهی- اصولی سید مرتضی می توان به اندیشه ی بطلان عمل و افتاء بر مبنای خبر واحد، تمسک به اجماع و ادعای تحقق آن در بسیاری از مسایل فقهی، اشاره کرد. البته سید مرتضی رجوع به اجماع را در رتبه ای بعد از ظواهر قرآن و اخبار متواتر می داند. (7)

الذریعه الی اصول الشریعه از مفصل ترین و کهن ترین کتاب اصول شیعه در فقه بوده که توسط این عالم بزرگوار تالیف شده است. شیخ مفید و برادر سید مرتضی و شخصیت های دیگر کسانی هستند که تفکر کلامی عقلی شیعه را در آن دوره پایه گذاری کرده و از هویت فکری و اعتقادی شیعه دفاع کرده اند.

سید مرتضی و مسؤولیتهای اجتماعی

سید مرتضی علاوه بر فعالیتهای علمی، فرهنگی و مسؤولیتهای اجتماعی و رهبری جامعه اسلامی، پس از وفات برادرش سید رضی در سال 406 ق مسؤولیت نقابت و امارت حج و نظارت بر دیوان مظالم را بر عهده گرفت.

از زمان خلفای بنی امیه تا زمان معتضد عباسی، فرزندان علی بن ابیطالب (ع) چون با حکام ستمگر مبارزه می کردند همیشه تحت تعقیب و مراقبت خلفا و مأموران بودند. از این رو آنان اغلب در شهرهای مختلف متواری بوده و معمولاً در جنگ و گریزها به شهادت می رسیدند. وجود امامزادگان متعدد در نقاط مختلف و دور افتاده حاکمی از این مبارزات است. هنگامی که حکومت و خلافت در سال 279 ق . به معتضد عباسی واگذار شد موضوع احترام به علویان و تعیین سرپرست مطرح گردید و در هر شهری یکی از بزرگان سادات یا علمای علوی نقابت یعنی سرپرستی سادات آن شهر یا منطقه را به عهده گرفت.

او علاوه بر نظارت بر نسب و دفاع از حقوق و حفظ شرافت آنان موظف بود در میان آنان قضاوت کند، سرپرستی اموال و دارایی یتیمان را بر عهده گیرد، احکام الهی را در صورت ارتکاب گناه درباره آنان جاری، دختران و زنان بی سرپرست را شوهر دهد و از بی سرپرستان مراقبت کند. کسی که این مسؤولیت ها را به عهده می گرفت بایستی دانشمند و مجتهد باشد تا قضاوت او معتبر و نافذ باشد.

امارت حج نیز مسؤولیت بزرگی بود که ریاست و رهبری زائران خانه خدا را به عهده داشت و معمولاً شخص خلیفه آن را به عهده می گرفت، اما گاهی خلیفه این مسؤولیت بسیار مهم را به شخصی که شایستگی داشت واگذار می کرد.

نظارت بر دیوان که در آن به اعمال ظالمانه حکام، امرا و رجال بزرگ دولت زیر نظر شخص خلیفه رسیدگی می شد نیز یکی از مسؤولیتهای خطیر اجتماعی بود.

این سه مسؤولیت مهم در سال 406 ق (پس از وفات سید رضی که بیش از بیست سال آنها را به عهده داشت) به برادرش سید مرتضی واگذار شد و تا آخر عمر آنها را به خوبی از انجام امور مربوط به آنها برآمد.

شایسته ذکر است که موقعیت اجتماعی و مسائل سیاسیفرمانروایان ستمگر ایجاب می کرد که سید علم الهدی و برادرش به منظور خدمت به اسلام و مسلمانان آن مسؤولیت ها را بپذیرند تا در سایه آن بتوانند خدمات ارزنده برای جامعه انجام دهند و گرنه این مسؤولیت ها

چیزی نبود که بر عظمت و شخصیت آنان بیفزاید و به آنها افتخار کنند.

از این رو است که می بینیم او به پیروی از جد بزرگوارش به وضع بیچارگان و محرومان جامعه خود رسیدگی می کرد؛ تا جایی که سید شریف تاج الدین حسینی حلبی می نویسد:

او پیوسته مراقب حال مستمندان و مواظب بسیاری از خانواده های نیازمند بود و برای افراد بی بضاعت ماهانه مقرر داشته بود که خود آنان از منبع آن خبر نداشتند و پس از رحلت سید که ماهانه قطع گردید متوجه همه چیز شدند. (8)

نظریات سید مرتضی پیرامون ولایت فقیه

سید مرتضی علم الهدی از علمای بزرگی است که بحث ولایت فقه را طرح و با استناد به اصل ولایت فقیه و زعامتی که ولی فقیه بر جامعه مسلمین دارد نزدیک به 30 سال ریاست همه سادات شرق و غرب جامعه اسلامی، امیری حجاج و قاضی القضاة دولت اسلامی را بر عهده گرفت.

حضور سید مرتضی در عرصه سیاسی اجتماعی، پذیرفتن مقام و منصب و ورود به مشاغل دولتی حاکی از اعتقاد راسخ ایشان نسبت به ولایت فقه بود چراکه پذیرفتن این مقام ها از شؤون و اختیارات سلطان است.

روشن است که اگر ایشان به نیابت فقه از جانب صاحب الامر اعتقادی نداشت هیچگاه این مقامات را قبول نمی کرد و از سوی دیگر تفویض این امور از سوی خلیفه مجوز شرعی برای پذیرفتن مسؤولیت های یاد شده نمی شد.

سید مرتضی در کتب مختلف فقهی و کلامی خویش به ضرورت امامت و ریاست در جامعه پرداخته است. او برای این ضرورت دلیل عقلی اقامه می کند: « و الذی یوجبیه و یقتضیه العقل الریاسه المطلقه و هی فرض الطاعه و نفاذ الامر و النهی فان المصلحه التی نوجب الریاسه بها بذلک مقترنه ». امامت همان فرض الطاعه بودن و امر و نهی نافذ داشتن است. در تدبیر امور جامعه وجود یک رئیس و رهبر که دارای شرایط خاصی باشد و از عهده ی امور جامعه برآید، ضروری است: « انما یعلم ضروره باختیار العادات ان الناس متی خلوا من رئیس مذهب نافذ الامر باسط الید یقود الجانی و یودب المذنب، لشاع بینهم التظالم و التقاسم و الافعال القبیحه... و من کلفهم و اراد منهم فعل الواجب و کره فعل القبیح لابد ان یلطف بهم بما هو مقرب من مراده مبعده من سطوحه، فیجب ان لا یخلهم من امام فی کل زمان » (9)

اگر جامعه ای از وجود یک رئیس پرهیزگار، با نفوذ کلمه و مقتدر که گناهکار را تأدیب نماید، محروم باشد در آن جامعه شاهد ستم عده ای بر مردم و انجام اعمال قبیح دیگر خواهیم بود؛ در اینجا ضروری است که خداوندی که از بندگان انجام واجبات و ترک محرمات را خواسته، به آنها لطف کرده و قانون و مجری قانونی تعیین نماید تا مردم جامعه از مضرات جامعه ی بی قانون در امان بمانند.

بدین ترتیب ضروری است که مردم هیچ عصری بدون رئیس و رهبر نباشند: « فلریاسه علی ما بیناه لطف فی فعل الواجب و الامتناع من القبیح فیجب ان لا یخلی الله تعالی المکلفین منها و دلیل وجوب اللطاف یتناولها » (10)

از نظر وی، امام و رهبر جامعه باید از شرایطی چون عصمت، منصوص بودن از جانب خدا و پیغمبر (ص)، اشجع بودن از سایرین، افضل بودن و عالم بودن برخوردار باشد، « و من صفاته ان یکون اعلم الامه باحکام الشریعه و بوجوه السیاسه و التدبیر... و مما یجب ان یلحق بذلک علمه بوجوه السیاسه، لان هذا حکم لاینفک الرساله منه و لا یجوز ان یخلو امام من تعلقه به، فعلمه بالسیاسه واجب عقلاً، و کونه اعلمهم واجب ایضاً فی طریق العقل لقبح تقدیم المفضول علی الفاضل فیما کان الفضل منه فیه و اما علمه باحکام الشریعه و کونه اعلم بها فمبنی علی التبعید الشرایع و انه امام فیهما و لیس فی العقل وجوب ذلک، » از صفات رهبر جامعه این است که او باید داناترین مردم نسبت به احکام شریعت و نیز امور سیاست و تدبیر جامعه باشد، علم به امور سیاسی یکی از وجوه رسالت و پیامبری است و همچنین بر امام جایز نیست که از این علم بی بهره باشد؛ بنابراین علم به سیاست وجوب عقلی دارد.

اما اینکه رهبر در این زمینه اعلم امت نیز باشد، این هم امری عقلی است؛ زیرا مقدم داشتن مفضول بر فاضل عقلاً قبیح است. اما علم رهبری به احکام شریعت از شرع و تعبد به آن به دست می آید نه از طریق عقل و همچنین به این دلیل که او امام امت است، پس باید از همه ی آنها نسبت به احکام شرع داناتر باشد. (11)

شاگردان سید مرتضی

بسیاری از مفاخر علماء و فقه ها و متکلمان شیعه و سنی از شاگردان سید مرتضی به شمار رفته اند. سرآمد آنها شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی (460 هـ) که پس از شیخ مفید، بیست و سه سال از محضر این بزرگوار کسب فیض کرده است.

از دیگر شاگردان سید مرتضی می توان افراد زیر را نام برد:

محمد بن حسن بن حمزه معروف به ابومعلی جعفری، داماد شیخ مفید، سالار بن عبدالعزیز دیلمی، سید نجیب الدین حسن بن محمد بن حسن موسوی، ابوالفتح محمد بن علی کراجکی، احمد بن حسن بن احمد نیشابوری، عبدالرحمان بن احمد بن حسین معروف به مفید ثانی یا مفید رازی و... این عده از بزرگان علمای شیعه بوده اند. برخی از اینان از شاگردان شیخ مفید هم به شمار می رفتند و برخی دیگر از شاگردان خاص سید مرتضی محسوب می گردند. (12)

تألیفات سید مرتضی

در کتابخانه سید مرتضی، هشتاد هزار جلد کتاب بوده که اغلب آنها از کتابهای مورد مطالعه یا تألیف او است. یکی از معاصرین او می گوید: کتابهای سید را شماره کردم، به هشتاد هزار جلد رسید که اغلب آنها از محفوظات یا مصنفات او بوده است.

ثعالبی مورخ نامی نیز در تایید این گفتار اضافه می کند: در بغداد پس از وفات سید مرتضی با اینکه قسمت عمده کتابهای او را به امرا و وزرا اهدا کرده بودند، باز باقیمانده آنها را به سی هزار دینار قیمت کردند. او دارای تألیفات متعددی است که هر کدام نشانگر وسعت علم و تبحر و گسترش کرانه ای دانش و فضیلت او بوده است.

علامه امینی در کتاب الغدیر از 86 کتاب سید مرتضی اسم برده است. به طور مختصر مهمترین تألیفات او را می توان الذخیر، غرر الفوائد و درر القلائد، جمل العلم والعمل، تقریب الاصول الروعی یحیی بن عدی، دلیل الموحدین فی حدیث الاجسام، مساله فی کونه تعالی عالماً،

تنزیه الانبیاء و الائمه، مساله فی القوبه، مساله فی الولایه من قبل السلطان، الشافی فی الامامه که این کتاب از بهترین کتبی است که در زمینه امامت نوشته شده است. المقنع فی الغیبه، الخلاف فی اصول الفقه، مسأله فی التاکید المصباح فی الفقه، مسائل انفرادات الامامیه نام برد. (13)

او همچنین دیوان شعر دارد و با توجه به این که ادیب توانا و شاعری توانمند بوده، اشعار زیبایی به عربی سروده است. اگر چه آثار کلامی و فقهی سید مرتضی هر کدام نوعی تفسیر کلام خدا به شمار می رود، ولی به طور خاص در مورد قرآن مجید و تفاسیر آن، کتاب ها و رساله های مستقلی نوشته اند که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

1. تفسیر القرآن الکریم شامل آیات سوره فاتحه و 125 آیه از سوره بقره. 2. اجوبه المسائل القرآنیه 3. تفسیر الایات المتشابهات فی القرآن 4. تفسیر آیه "لیس علی الذین آمنو و عملوا الصالحات جناح". (14)

معرفی برخی از آثار

أمالی

قبل از این که به بررسی و شناخت کتاب گرانقدر «أمالی المرتضی» بپردازیم، بهتر است اندکی راجع به واژه أمالی و اصطلاح آن در حدیث سخن بگوییم.

أمالی، جمع املا است و در اصطلاح، کتابی را گویند که استاد تقریر کند و شاگردان بنویسند. (15)

کشف الظنون می نویسد:

منظور از أمالی این است که عالمی بنشیند و شاگردان وی با قلم و کاغذ در اطراف او قرار بگیرند، آن گاه، عالم - با استفاده از علمی که خداوند در اختیار او گذاشته است - شروع به سخن گفتن کند و شاگردان، آن مطالب را بنویسند. در نتیجه کتابی حاصل می شود که آن را املا و أمالی می نامند. (16)

در الذریعة می خوانیم:

أمالی عنوانی است که غالباً برای بعضی از کتب حدیث استفاده می شود و آن کتابی است که شامل احادیث شنیده شده از املائی شیخ حدیث است. او یا آنها را از محفوظات خویش می گوید یا این که از روی نوشته می خواند. ترتیب مطالب أمالی اکثراً به ترتیب نوبت شنیدن آنهاست و به این خاطر، به این کتاب ها، مجالس یا عرض المجالس نیز اطلاق می شود. (17)

این روش، که استاد بنشیند و شاگردان هم دور او حلقه زده و مسموعات خود را از او بنویسند، روش فقیهان و محدثان و نیز اهل ادب و علوم دیگر بوده است و در بعضی کتب، از أمالی گوناگون علمای بزرگ و نیز غیر معروف نام برده شده است. در کشف الظنون از أمالی ابن درید، أمالی ابن حجب، أمالی ابن الشجرى، أمالی ابن عساکر و... سخن به میان آمده است.

همچنین در الذریعة قریب 30 کتاب أمالی از تصانیف شیعه ذکر شده است و به قول نویسنده آن از باب تیمّن و تبرک، اولین کتاب از این فهرست سی تایی را کتاب أمالی سیدنا و نبینا رسول الله (ص) و علی امیرالمؤمنین (ع) قرار داده است و در ادامه می گوید که این اولین کتابی است که در اسلام از کلام بشر به املائی نبی و خط وصی نگاشته شده است.

مهم ترین أمالی ها: أمالی أبو محمد ناصر کبیر (م 304ق)، أمالی مهذب الدین همدانی (م 398ق)، أمالی أبو الفتح هلال بن محمد بغدادی (م 414ق)، أمالی شیخ طوسی (م 460ق)، أمالی شیخ صدوق (م 381ق) و أمالی سید مرتضی (م 436ق) است.

أمالی معمولاً موضوعات بسیار متنوعی را دربر می گیرد که از آن میان، داستان های معتبر تاریخی، معنی اخبار، تفسیر و تأویل آیات قرآنی، نکات ادبی و... را می توان نام برد. (18)

از نظر قوّت اعتبار، أمالی مانند اصل است و احتمال سهو، نسیان و غلط در آن کم است. علی الخصوص، وقتی که املائی شیخ از روی کتاب مصحح یا از محفوظات قلبی خودش باشد؛ البته در مورد اخیر، اگر به قوی الحافظه و ضابط و متقن بودن او یقین داشته باشیم. (19)

الانتصار

کتابی است در فقه متضمن احکامی که قطعاً و یا ظناً امامیه در آنها منفردند. این کتاب دو مرتبه در ایران چاپ سنگی شده است، یکی در سال 1275 در ضمن الجوامع الفقهیه و دیگری در سال 1315 به طور جداگانه.

این کتاب بر بیش از 319 مسأله فقهی مشتمل است و هم از نظر تاریخی و هم از نظر علمی حائز کمال اهمیت است، زیرا قدیمترین کتاب فقهی شیعه است که متعرض مسائل خلائی شده و اقوال مختلفه در آن مسائل را بیان داشته و به علاوه فقه شیعه امامیه را بر اساسی محکم و حججی قوی بنا نهاده است و فقهاء متأخر چون شیخ طوسی و علامه حلی و دیگران از این روش پیروی کرده و تألیفات فقهی خود را بر این پایه استوار داشته اند.

در این کتاب شریف، سید مرتضی برخی از تألیفات خود را مانند مسائل ابی عبدالله بن التبان، مسائل الخلاف، مسائل اهل الموصل، المسائل الطرابلسیات و اصول الفقه نام برده است. سید مرتضی انتصار را پس از سال 420 تألیف کرده. (20)

تنزیه الانبیاء:

تنزیه الانبیاء و الائمه کتابی کلامی در اثبات عصمت پیامبران و امامان نوشته سید مرتضی علم الهدی (355-436ق.) است. سید مرتضی در این کتاب بحث های راجع به عصمت پیامبران را به تفصیل آورده اما در بحث عصمت امامان، برای تفصیل مطالب، به کتاب الشافی فی الامامة که نوشته خود اوست ارجاع داده است.

کتاب به شکل پرسش و پاسخ تنظیم شده؛ با اینکه تنزیه الانبیاء به موضوعی اعتقادی می پردازد، به سبب مسائل نحوی و بلاغی و لغوی ای که در بر دارد، شایسته است جزو کتاب های ادبی نیز به شمار آید. (21)

علم الهدی از دیدگاه دانشمندان اهل سنت

شخصیت علم الهدی از دیدگاه دانشمندان اهل سنت هم پوشیده نمانده است، بلکه در اثر کثرت تالیفات و آثار مورد جلب نظر آنان نیز

گردیده است ابن خلکان، یکی از مورخین اهل سنت گوید:

فضائل وی بسیار و تالیفات او در دین و احکام مسلمین شاهد صادق هستند بر اینکه شاخه آن شجره بوده و از اهل آن خانواده جلیل است.

ابن اثیر در کامل التواریخ، یافعی در مرآة الجنان، سیوطی در طبقات، خطیب بغدادی در تاریخ بغداد و ابن کثیر شامی و دیگران، همگی از سید مرتضی با بهترین عبارات یاد کرده اند و علم و فضیلت و دانش او را ستوده اند.

یکی از اساتید ادبیات مصر گوید:

من از کتاب غرر و درر سید مرتضی مسائلی را استفاده کردم که در هیچ یک از کتابهای دیگر نحویان به دست نیاوردم. (22)

وصیت تکان دهنده و عشق به نماز

سید مرتضی در وصیت خود چنین آورده است: تمام نمازهای واجب مرا که در طول عمرم خوانده ام به نیابت از من دوباره بخوانید. وقتی این سخنان از ایشان نقل شد نزدیکان و اطرافیان شگفت زده شدند و پرسیدند چرا؟! شما که فردی وارسته بودید و اهمیت فوق العاده ای به نماز می دادید، علاقه مند و عاشق نماز بودید و همیشه قبل از فرارسیدن وقت نماز وضو گرفته، آماده می شدید تا وقت نماز فرا رسد، حال چه شد که این گونه وصیت می کنید؟!

سید در پاسخ گفت: آری من علاقه مند به نماز بلکه عاشق نماز و راز و نیاز با خالق خود بودم و از راز و نیاز هم لذت فراوان می بردم، از این رو همیشه قبل از فرا رسیدن وقت نماز لحظه شماری می کردم تا وقت نماز برسد و این تکلیف الهی را انجام دهم و به دلیل همین علاقه شدید و لذت از نماز، وصیت می کنم که تمام نمازهای مرا دوباره بخوانید زیرا تصور من این است که شاید نمازهای من صد در صد خالص برای خدا انجام نگرفته باشد بلکه درصدی از آنها به خاطر لذت روحی و معنوی خودم به انجام رسیده باشد! پس همه را قضا کنید چون اگر یک درصد از نماز هم برای غیر خدا انجام گرفته باشد، شایسته درگاه الهی نیست و می ترسم به همین سبب اعمال و راز و نیازهای من مورد پذیرش خدای منان قرار نگیرد.

آری! اشتغالات علمی و اجتماعی و سیاسی او نه تنها مقابل جلوه های عبادی و معنوی او را نتوانست بگیرد، بلکه او در میدان نیز گوی سبقت را از دیگران ربود و الگو قرار گرفت.

اینجاست که باید گفت او به راستی مرتضی و بحق شریف بود که با گذشت زمان، ارائه کوششهای افزون و حوادثی که در زندگی او پیش آمد، سبب شد که به نامها و القابی همانند شریف مرتضی، علم الهدی، ذوالمجدین و ابوالثمانین مشهور گردد. (23)

وفات

سید مرتضی هشتاد سال عمر کرد، هشتاد کتاب نوشت و گویند که کتابخانه او هشتاد هزار جلد کتاب داشت؛ امالی او هم، هشتاد مجلس دارد.

سرانجام سید مرتضی، این دانشمند بزرگ و نامی، انسان وارسته و مرجع عالم تشیع در حدود هشتاد سالگی روز یکشنبه، بیست و پنجم ربیع الاول سال 436ه در شهر بغداد به رحمت حق شتافت.

وی توسط شاگردش حسین نجاش و به کمک محمد بن حسن جعفری، سالار بن عبدالعزیز و دیگر شاگردانش غسل داده شد. سپس فرزندش بر او نماز خواند و در خانه اش واقع در محله کرخ بغداد به خاک سپرده شد.

پس از مدتی پیکر مطهر او به کربلا منتقل شد و در جوار جد بزرگش حضرت سیدالشهداء(ع) در کنار قبر برادرش سید رضی علیه الرحمه دفن شد. (24)

درمجموع سید مرتضی را می توان به یک کتابخانه ای که جامع علوم و معارف گوناگون است و یا به یک دانشگاهی که از دانشکده های علمی بسیار تشکیل شده و یا به یک باغ پهناوری که پرورشگاه انواع درختان باثمر و گلهای خوشبوی رنگارنگ است تشبیه کرد.

آری، او در حالی که دریای بی کرانی بود از فقه، اصول، تفسیر، کلام و دیگر معارف قرآنی و اسلامی، در بلاغت، فصاحت و ادبیات عرب آنچنان مهارتی داشت که از سخنان روزمره اش شعر می بارید و از نوشته هایش هنرهای ادبی و محسنات لفظی؛ ولی کوشش خود را همواره به فقه و کلام اختصاص می داد و به ادبیات نیز عنایت خاصی داشت.

علامه حلی درباره سید مرتضی می گوید: شیعیان از کتابهایش تا این زمان (که سال 693 هجری است) استفاده کرده اند؛ او رکن تشیع و استاد بزرگ این طایفه است و خداوند جزای خیر به او دهد.

احمد حیوری

m/300/9462/

منابع

1. آشنایی با علوم اسلامی ج3، ص80.
2. شریفی، محمود، همان، ص13.
3. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج1، ص41.
4. روضات، ص575.
5. ریحانه الادب، ج4، ص184.
6. شریف المرتضی، همان، المجموعه الاولی، ص8 10.
7. شریف المرتضی، رسائل الشریف المرتضی، المجموعه الاولی، ص11 12.
8. ریحانة الادب ج4، ص183 تا 190.
9. رسائل الشریف المرتضی، تحقیق سید مهدی رجائی، ج1، قم، دار القرآن، 1405 ق، ص309.

10. رسائل الشريف المرتضى، الذخیره، ص 410.
11. رسائل الشريف المرتضى، الذخیره، صص 429-430.
12. رسائل الشريف المرتضى، الذخیره، ص 279.
13. عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران، ج 2، ص 64.
14. مائده، 35 / 5.
15. لغت نامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین، ج 2، ص 134.
16. کشف الظنون، حاجی خلیفه، ج 1، ص 161.
17. الذریعة، ج 2، ص 305 و 306.
18. دائرة المعارف تشیع، تعدادی از نویسندگان، ج 2، ص 335.
19. درایة الحدیث، کاظم مدیر شانه چی، ص 30 و 31.
20. گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقها، صص 159-160.
21. آقابزرگ طهرانی، ج 15، ص 273.
22. ریحانة الادب ج 4، ص 184.
23. ریحانة الادب، محمد علی مدرس تبریزی، تهران، چاپخانه شفق
24. شریفی، محمود، همان، ص 52